

تحلیل و بررسی نحوه انعکاس غزوه بنی‌نضیر در قرآن کریم با تأکید بر الگوی نگرشی و نگارشی (پردازشی) تاریخ نگاری قرآن

سید محمد صادق حسینی کجانی*

محمد رضا جباری**

چکیده

بنی‌نضیر از قبایل یهود مدینه با رسول خدا ﷺ پیمان نامه‌ای را منعقد اما بعدها آن را نقض کردند. بررسی نحوه انعکاس تقابل آنان با رسول خدا ﷺ در قرآن کریم مهم‌ترین هدف مقاله حاضر می‌باشد. نگاه قرآن از این حادثه به لحاظ نگرشی و نگارشی (پردازشی) مبین چگونگی توجه قرآن کریم به حوادث تاریخی می‌باشد و نشان دهنده کیفیت پردازش یک واقعه و نحوه انعکاس آن با عنایت به فلسفه نزول این کتاب آسمانی است. این پژوهش که به شیوه توصیفی - تحلیلی و در بخشی تفسیری صورت گرفته در صدد پاسخ به این سؤال است که نحوه انعکاس غزوه بنی‌نضیر با تأکید بر الگوی نگرشی و نگارشی (پردازشی) تاریخ نگاری قرآن چگونه است؟ از آنجاکه هدف از نزول قرآن کریم هدایت بشر است لذا ساختار گزارش‌های تاریخی در قرآن، ساختاری ویژه و معطوف به هدف هدایتی قرآن است. نکات و نحوه انعکاس غزوه بنی‌نضیر در قرآن کریم به طور کامل قابلیت پویش در الگوی نگارشی (پردازش) و نگرشی را دارد.

واژگان کلیدی

تاریخ نگاری قرآن، بنی‌نضیر، الگوی نگرشی، الگوی نگارشی.

*. مربی گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان - ایران و دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی گرایش تاریخ و تمدن اسلامی.
sadegh.hoseynik@yahoo.com

** دانشیار موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
mrjabbari1395@gmail.com تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۵/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۲۹

طرح مسئله

یهودیان از گروه‌هایی بودند که اندکی پس از هجرت پیامبر ﷺ به مدینه، به‌عنوان دشمنی جدی در برابر پیامبر ﷺ و مسلمانان قد برافراشتند، تا جایی که خداوند دشمنی ایشان را نسبت به مسلمانان بسیار شدیدتر از دشمنی مشرکین بیان کرده است.^۱ خطر یهودیان تهدیدی بزرگ برای دین نوپای اسلام بود اما پیامبر عظیم الشان اسلام ﷺ با تبیین گفتمان اسلامی، در پیش گرفتن راهبردی هدفمند، اعمال سیاست‌های سنجیده و رهبری خردمندانه توانست آن را خنثی کند و دین اسلام و کیان دولت اسلامی را از شر فتنه‌های این قوم مصون دارد. یهودیان بنی‌نضیر از جمله قبایل ساکن در مدینه بودند که دشمنی خود را (با اسلام و پیامبر ﷺ) با تصمیم به قتل پیامبر ﷺ آشکار نمودند و همین موضوع علت اصلی مقابله پیامبر ﷺ با ایشان شد.

قرآن کریم مهم‌ترین منبعی است که درباره تعامل رسول خدا ﷺ با یهودیان گزارش‌های متنوع و متعددی ارائه کرده است. توجه گسترده خداوند به سرگذشت بنی‌اسرائیل (یهود) در سوره‌های متعدد و نقش آنها در رخدادهای مهم در طول تاریخ، انگیزه‌ای قوی جهت ورود به این بحث ایجاد کرده است. با بررسی و مطالعه گسترده به این نتیجه خواهیم رسید که موضوع یهود در قرآن از جهات گوناگون مورد اهتمام اندیشمندان بسیاری اعم از مسلمان و غیرمسلمان قرار گرفته است. برخلاف مشرکان، یهودیان قومی دارای گذشته، تاریخ، افتخارات و از همه مهم‌تر کتابی آسمانی بودند با اتکا به آن با مردمی که تا قبل از ظهور اسلام امی و بی‌ریشه و بی‌اطلاع از معارف الهی بودند، دست و پنجه نرم می‌کردند، تا جایی که مانند مجموعه‌ای روشنفکر بر جامعه‌ای بی‌سواد سلطه روحی داشتند. با توجه به آنچه گذشت، در این مقاله تلاش کرده‌ایم گزارشی قرآنی از غزوه بنی‌نضیر و نحوه انعکاس این رخداد با تأکید بر الگوی نگرشی و نگارشی قرآن کریم مورد بررسی قرار گیرد. روش تحقیق به شیوه توصیفی، تحلیلی می‌باشد. همچنین این پژوهش از گونه تحقیقات تاریخی و تبیینی است، چراکه به دنبال تبیین چرایی نوع تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری قرآن است.

پیشینه تحقیق

درباره مطالعه تطبیقی گزاره‌های تاریخی قرآن در موضوع مناسبات رسول خدا ﷺ با یهودیان به‌صورت عام و در مورد یهودیان بنی‌نضیر به‌صورت خاص، تاکنون اثر مستقلی تدوین نشده

۱. مائده (۵): ۸۲

است. اما آثار ارزشمندی درباره رابطه یهودیان با رسول خدا ﷺ، یهودیان در قرآن و مقایسه گزاره‌های تاریخی قرآن با منابع تاریخی تدوین شده است. این آثار از جهت روشی و نوع پژوهش در چارچوب تحقیق حاضر می‌باشد اما از نظر موضوع پژوهش، مطالب قابل توجهی ندارند. این آثار شامل چندین کتاب و مقاله می‌باشند، از جمله:

- کتاب *رسول خدا ﷺ و یهود* به قلم سید جعفر عارف کشفی. از ویژگی‌های شاخص این کتاب آن است که علاوه بر استفاده از آیات قرآنی به عنوان منبعی روشنگر در مباحث تاریخی، به نمونه‌های قرآنی بسیاری هم اشاره نموده است. در ضمن، فصل بزرگی تحت عنوان یهود در قرآن آورده که به مباحث مطرح شده در قرآن درباره یهود پرداخته است. نکته مهم اینکه در این کتاب اساساً به کیفیت ورود قرآن به گزارش‌های تاریخی و نحوه انعکاس آنها در قرآن اشاره‌ای نشده است.

- *یهود در المیزان* دیگر کتابی است که خصوصیات یهودیان را از نظر اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی، نگرش پیامبران خدا به یهودیان و نیز موضوعاتی همچون: پیمان شکنی یهودیان در برابر پیامبر اسلام ﷺ، تغییر قبله و رواج احادیث جعلی و خرافاتی از سوی یهودیان را از دیدگاه *تفسیر المیزان* مورد بحث و بررسی قرار داده است. با توجه به اینکه ارجاعات قرآنی این مقاله مستند به *تفسیر المیزان* می‌باشد و کتاب *یهود در المیزان* دسته بندی آیات مربوط به یهود در قرآن را انجام داده است، لذا از این حیث مورد استفاده قرار گرفته است. اما در رابطه با نحوه انعکاس آیات در چارچوب یک الگوی نگارشی و نگارشی هیچ ورودی ندارد.

- *نگاهی دیگر به تاریخ در قرآن* (تشابه‌ها، تفاوت‌ها و تعارض‌های گزارش‌های تاریخی قرآن با منابع منتخب، بررسی موردی غزوه بدر، احد و تبوک) به قلم محمدحسین دانش‌کیا تدوین شده است. این کتاب از یک مقدمه و پنج فصل «کلیات، تحلیل و تطبیق غزوه بدر در قرآن و منابع تاریخی، تحلیل و تطبیق غزوه احد در قرآن و منابع تاریخی، تحلیل و تطبیق غزوه تبوک در قرآن و منابع تاریخی و نتیجه‌گیری» گردآوری شده که هر فصل به مباحث مرتبط با خود پرداخته است. درباره این اثر این نکته قابل ذکر است که اگرچه از نظر محتوای مطالب ارتباط خاصی با موضوع مورد پژوهش ندارد اما در توجه به الگوی نگارشی و نگارشی (محتوای و روشی) قرآن کریم تشابهاتی با مسئله این پژوهش دارد.

- مقاله *تفسیری تاریخی از یهود براساس قرآن کریم* نوشته محمد کاظم شاکر. این مقاله در صدد است تا با ارائه تصویری روشن از تاریخ یهود از آغاز تا زمان اسلام و نیز سیر تاریخی عملکرد یهودیان در عصر نزول، خواننده را در مورد دیدگاه‌های قرآن و عملکرد پیامبر ﷺ و

مسلمانان به داوری فراخواند. با وجود اطلاعات مفید در این مقاله در خصوص مناسبات یهود با پیامبر ﷺ، این مقاله فاقد روشی است که مبین الگوی پردازشی قرآن کریم از جهت نگرشی و نگارشی در خصوص غزوه بنی نضیر باشد.

- مقاله تفسیر قصص قرآن در رویکرد علامه طباطبایی نوشته محمود کریمی و رحیم امرائی، مقاله ای دیگر است که با رویکرد تحلیلی به دنبال پاسخ این سؤال است که تفسیر علامه طباطبایی از قصص قرآن با سایر تفاسیر چه تفاوت‌هایی دارد؟ کشف ویژگی‌های شخصیتی قهرمانان قصص، مراجعه به سایر آیات و سوره‌ها در تفسیر قصص، ارائه تفسیر دقیق با استناد به ظاهر آیات، نقد توضیحات کتب مقدس از قصص قرآنی و تبیین صحیح روش انبیا، از ویژگی‌های تفسیر المیزان در تفسیر قصص قرآن است. اگرچه در این مقاله موضوعاتی همچون عبرت‌پذیری، بیان سنت‌های الهی و تسلی بخشیدن به پیامبر ﷺ و امت ایشان از مهم‌ترین اهداف قصه‌های قرآنی در دیدگاه علامه طباطبایی بیان گردیده، اما به‌طور خاص یک الگوی قابل استفاده برای تبیین نحوه نگرش و نگارش آیات قصصی ارائه نگردیده است.

- مقاله بررسی آیات مرتبط با یهودیت در المیزان نوشته حسین سلیمانی و سیدمحمدعلی طباطبایی مقاله دیگری است که هدف آن پاسخ به این پرسش است که آیا علامه طباطبایی در تفسیر آیات مرتبط با یهودیت، از همان شیوه‌هایی بهره می‌برد که در آیات دیگر استفاده کرده است یا به تناسب این موضوع شیوه‌های دیگری را به خدمت می‌گیرد؟ کاوش در تفاسیری که علامه بر آیات مرتبط با یهودیت نگاشته است، نشان می‌دهد که از نگاه علامه نیازی به استفاده از روشی ویژه در تفسیر این دسته از آیات نیست و در عمل می‌توان این آیات را نیز با روش تفسیر قرآن به قرآن و دیگر روش‌های معمول تفسیر کرد؛ اما در این مقاله به الگوی پردازشی قرآن کریم از جهت نگرشی و نگارشی در رابطه با یهودیان بنی نضیر و مواجهه آنها با پیامبر ﷺ که موضوع مقاله حاضر است، هیچ اشاره‌ای نشده است.

مفاهیم

۱. الگو

برای این واژه معانی مانند: نمونه، طرح، سرمشق مثال و مدل ذکر شده است. در این رساله مقصود طرح، چارچوبی قابل سرمشق قرار دادن و مدل است.^۱ الگوی نگرشی، مدلی است که

۱. دانش‌کده، نگاهی دیگر به تاریخ در قرآن، ص ۶۶

نشان‌دهنده نگرش فکری، سیاسی و فرهنگی تاریخ‌نگار به حوادث تاریخی است. قرآن کریم با این اندیشه که حوادث خودبه‌خود به وجود آمده و یا اینکه انسان در برابر حوادث، یک موجود دست‌بسته و به تقدیر سپرده شده است، مقاومت می‌کند.^۱ قرآن شیوه‌ای خاص در تحلیل رویدادها دارد که به نظر می‌رسد این شیوه، علاوه بر تأکید بر عوامل انسانی و مادی در وقایع و حوادث، به عوامل ماورایی و معنوی نیز می‌پردازد. این عوامل ماورایی، علم، قدرت و اراده الهی است که مافوق تمامی علوم، قدرت‌ها و اراده‌های انسانی و بشری است. این قدرت و اراده الهی از خلال سنن و قوانینی که تشکیل‌دهنده مهم‌ترین بخش از الگوی نگرشی قرآن کریم هستند، ساری و جاری می‌گردد که دارای سه ویژگی مهم می‌باشند:

۱. الهی بوده و حاکمیت خداوند را تحقق می‌بخشند.

۲. عمومیت داشته و اتفاقی نیستند.

۳. در سنت الهی مسئله اراده، تفکر و آزادی انسان مطرح است، یعنی انسان‌ها به دست خود سرنوشت خویش را می‌سازند و سنتی را که باید در موردشان اجرا شود به دست خویش بر می‌گزینند. به عبارت دیگر سنت‌های اجتماعی – تاریخی خداوند از زیردست انسان‌ها جریان می‌یابند.^۲

۲. الگوی نگارشی

به چارچوبی اطلاق می‌گردد که در قالب آن، وقایع مورد پردازش قرار می‌گیرند. ساختار گزارش‌های تاریخی در قرآن، ساختار یک گزارش تاریخی معطوف به هدف هدایت است. قرآن کریم هیچ‌گاه وقایع را با تفصیلی که در منابع تاریخی معمول است ذکر نمی‌کند و تنها به نقاطی از حادثه اشاره دارد که برای زندگی سعادت‌مندان بشر راهگشا و سبب هدایت اوست. به‌طور مثال در بیان قصه بنی‌نضیر ابتدا نتیجه غزوه را – اخراج بنی‌نضیر – بیان می‌کند و سپس اشاراتی دارد به برخی رخدادها همچون تخریب خانه‌های یهودیان و یا قطع کردن درختان خرما. لازم به ذکر است الگوی نگارشی قرآن کریم مستقل از الگوی نگرشی آن نیست. به‌عنوان مثال قرآن به روحیه تفرقه و تشتت قلبی یهود و دوستان منافق‌شان و بی‌ایمانی آنها – به‌گونه‌ای که قلعه‌های استوار را از اراده خداوند مستحکم‌تر می‌دیدند – و بیان این نتیجه هدایت‌گر که دلیل این روحیه آنها را بی‌بهره بودن ایشان از تعقل و رفتار عاقلانه می‌داند، اشاره می‌کند و می‌فرماید:

۱. صدر، سنت‌های تاریخ در قرآن، ص ۷۸.

۲. همان، ص ۹۱ – ۸۸؛ ملکوتیان، سیری در نظریه‌های انقلاب، ص ۱۵۲.

لَا يُقَاتِلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرَى مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ بَأْسُهُمْ بِيْتَهُمْ شَدِيدٌ
تَحَسَّبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ^۱.

سابقه بنی نضیر

قبیله بنی نضیر پیش از ظهور اسلام در یثرب (مدینه) ساکن شدند. درباره منشأ آنان روایات متفاوت است. یعقوبی آنها را طایفه‌ای از قبیله جُذام می‌داند که یهودی شدند و در کوه نضیر اقامت گزیدند و از آن پس به نام این کوه خوانده شدند.^۲ روایت دیگر آنان را از نسل هارون بن عمران دانسته که پس از وفات موسی علیه السلام و پیش از مهاجرت قبایل عرب اوس و خزرج بدان جا که به سبب سیل عَرَم صورت گرفت، در آن ناحیه ساکن شده بودند.^۳ بر پایه گزارش‌هایی از این دست، به دنبال جنگ رومیان با یهودیان (۷۰ میلادی)، بنی نضیر نیز مانند دیگر قبایل یهود به حجاز گریختند^۴ و در منابع دیگر به این بند اشاره نکرده اند. بخشی از مسیل بطحان فرود آمدند.^۵ ابن عساکر و یاقوت حموی از واقدی نقل کرده اند که منازل بنی نضیر در ناحیه غرس و منطقه اطراف آن، مقبره حنظله^۶ یا خطمه^۷ قرار داشت. سمهودی می‌گوید:

علی‌الظاهر، بنی نضیر در منطقه نواعم سکونت داشتند و منازل و باغ‌های آنان تا ناحیه غرس و صافیه و صدقات پیامبر صلی الله علیه و آله در این ناحیه امتداد داشت. شماری از خانه‌های بنی نضیر در ناحیه جفاف واقع بود ... من در حرّه واقع در شرق نواعم آثار چند دژ و یک قریه را در نزدیکی مدینب دیدم. به نظر می‌رسد که آن هم از منازل بنی نضیر باشد.

از جمله مواردی که بر سکونت بنی نضیر در شرق مدینه دلالت دارد، سخن ابن کثیر است که

می‌گوید:

۱. حشر (۵۹): ۱۴.
۲. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۹.
۳. ابوالفرج اصفهانی، الأغانی، ج ۲۲، ص ۳۴۴ - ۳۴۳.
۴. همان، ص ۳۴۴؛ یاقوت حموی، معجم الادباء، ج ۵، ص ۲۹۰.
۵. سمهودی، وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفی، ج ۴، ص ۸ و ۱۱؛ یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۱، ص ۴۴۶، ج ۵، ص ۲۹۰.
۶. سمهودی، وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفی، ج ۳، ص ۱۰۷۶ - ۱۰۷۵؛ یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۴، ص ۱۹۳.
۷. مسعودی، التنبيه و الاشراف ص، ۲۱۳.

منازل بنی نضیر چند میل بیرون از مدینه در شرق آن واقع بود.^۱ در مورد تعداد جمعیت بنی نضیر آمار دقیقی در دست نیست، به نظر می‌رسد جمعیت این طایفه از سایر طوایف یهودی در مدینه بیشتر بوده است.^۲

در مورد وضعیت اقتصادی بنی نضیر تذکر این نکته ضروری است که اساساً اقتدار اقتصاد یهود یثرب، مبنای اصلی وحدت سیاسی و اجتماعی آنان به شمار می‌رفت.^۳ یهودیان علاوه بر حضور گسترده در تجارت^۴ و رباخواری،^۵ در کشاورزی و گرداندن بازارهای یثرب نیز فعال بودند.^۶ همچنین در اختیار داشتن مرغوب‌ترین اراضی زراعی و بهترین واحه‌های اطراف شهر و نیز برخورداری از قلاع متعدد و استحکامات اساسی، حکایت از توانمندی مالی و مال‌اندیشی اقتصادی آنان داشت.^۷ صنعت و داد و ستد داخلی نیز که اقتضای زندگی شهری بود، بر رونق فعالیت‌های مالی یهود افزود. گزارش‌های تاریخی حاکی از تملک بنی‌نضیر بر بخش‌های وسیعی از نخلستان‌های «عجوه» در یثرب و حوالی آن است.^۸ مورخان میزان اموال خارج شده توسط بنی نضیر به خیبر یا شام را ششصد بار شتر ذکر کرده‌اند^۹ که نشانگر ثروت فراوان بنی‌نضیر در مدینه است.

۱. برخورد با یهود بنی‌نضیر

با ورود پیامبر ﷺ به یثرب و رواج اسلام در آنجا، سران بنی نضیر نزد پیامبر ﷺ آمدند. پیامبر ﷺ دین آنان را به رسمیت شناخت و آنان را به اسلام فراخواند. آنها به پیامبر ﷺ امید

۱. ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۸، ص ۸۸.

۲. عارف کشفی، رسول خدا و یهود، ص ۴۱۰.

۳. ادربیس، مجتمع المدینه فی عهد الرسول، ص ۴۷.

۴. علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۱، ص ۲۰۸ - ۲۰۷؛ شریف احمد، مکة و المدینه فی الجاهلیه و عهد الرسول، ص ۳۶۵.

۵. نساء (۴): ۱۶۱.

۶. ولفنسون، تاریخ اليهود فی بلاد العرب فی الجاهلیه و صدر الاسلام، ج ۱، ص ۵۹؛

Rodinson, *Mohammed, tr. Anner*, v. 2, P. 139.

۷. وات، محمد ﷺ: پیامبر و زمامدار، ج ۱، ص ۹۸؛ علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۷، ص ۷۰؛ دایرة المعارف اسلام، ج ۲، ذیل «خیبر».

۸. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۲، ص ۱۳۹.

۹. واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۳۷۴؛ طبری، تاریخ الامم و الملوک المشهور بالتاریخ طبری، ج ۲، ص ۵۵۳؛ مسعودی، التنبیه و الاشراف، ص ۲۱۳.

دادند که در آینده و با شناخت بیشتر از اسلام، مسلمان خواهند شد و موافقت کردند که تا آن زمان متعرض یکدیگر نشوند. به گزارش آیات قرآنی آنان دانستند که او همان پیامبر موعود است؛^۱ اما چون پیامبر ﷺ را از ذریه هارون ندیدند،^۲ به او ایمان نیاوردند.^۳ منابع تاریخی نیز به این نکته اشاره کرده‌اند که یهودیان، پیامبر موعود را شناخته بودند.^۴ در میان مفسران نخستین، مجاهد و قتاده و علی بن ابراهیم از این حادثه (ملاقات اولیه سران بنی نضیر با پیامبر ﷺ) با عنوان عهد یاد کرده و بندهای دیگری برای آن ذکر کرده‌اند. براساس روایت علی بن ابراهیم در این عهدنامه شرط شده بود که هر کدام از طرفین، در صورتی که پیمان را نقض کند، با کشتار مردان، اسارت زنان و فرزندانش و مصادره اموال مجازات شود.^۵ چنین بندی با توجه به مجازات سنگین پیمان شکنان در آیین یهود بعید نمی‌آید. واقعی بند دیگری افزوده مبنی بر اینکه چنانچه یهودیان به جنگ پیامبر ﷺ بیایند، یهودیان مدینه او را یاری کنند؛^۶ اما از آنجا که بنی نضیر پیمان خود را زیر پا گذاشتند، غزوه بنی نضیر در ربیع الاول سال چهارم هجری^۷ به وقوع پیوست. در این سال عمرو بن امیه که از بئر معونه باز می‌گشت دو تن از افراد قبیله بنی عامر را که از پیامبر ﷺ امان داشتند، کشت. عامر بن طفیل از پیامبر ﷺ دیه طلب کرد^۸ و پیامبر ﷺ برای پرداخت دیه از بنی نضیر که هم‌پیمان بنی عامر بودند کمک خواست.^۹ بنی نضیر کمک به پیامبر ﷺ را پذیرفتند، اما در توطئه‌ای برای قتل ایشان، عمرو بن جحاش را مأمور کردند که آن حضرت را در پای دیوار قلعه با سنگی از پای درآورد.^{۱۰} پیامبر ﷺ از طریق وحی از نیرنگ آنان آگاه شد و به ایشان ده روز مهلت داد تا با اموال منقول خود جز اسلحه، از مدینه خارج شوند و سالانه برای

۱. بقره (۲): ۹۰ - ۸۹: «وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ * بئس ما اشتروا به أَنفُسَهُمْ أَن يَكْفُرُوا بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ بَغْيًا...»
 ۲. ابن کثیر، السیره النبویه، ج ۳، ص ۴۰۲؛ طبری، جامع البیان عن تاویل ای القرآن، ج ۹، ص ۴۱۰؛ شمس شامی، سبل الهدی، ج ۴، ص ۳۲۰.

۳. طبری، جامع البیان عن تاویل ای القرآن، ج ۲، ص ۵۳۳؛ طبرسی، جوامع الجامع، ج ۱، ص ۱۲۷.

۴. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۲، ص ۳۶۲؛ ابن کثیر، السیره النبویه، ج ۲، ص ۲۹۸.

۵. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۹، ص ۱۱۱؛ طبرسی، اعلام الوری، ج ۱، ص ۱۵۸.

۶. واقعی، المغازی، ج ۲، ص ۳۴۰.

۷. ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ص ۲۴۳.

۸. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۳، ص ۱۹۹؛ حلبی شافعی، السیره الحلبیه، ج ۲، ص ۲۶۳.

۹. طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۲، ص ۵۵۱؛ واقعی، المغازی، ج ۱، ص ۳۶۴.

۱۰. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۳، ص ۲۰۰ - ۱۹۹.

برداشت محصول خرما بازگردند.^۱ عبدالله بن اُبی، رئیس منافقان مدینه، بنی نضیر را از اطاعت پیامبر ﷺ بازداشت و وعده داد که همراه با بنی قریظه از آنان دفاع کند.^۲ از این رو پیامبر ﷺ، عبدالله بن مکتوم را در مدینه جانشین خود قرار داد و با لشکری به فرماندهی علی رضی الله عنه،^۳ پانزده روز یا شش شب^۴ بنی نضیر را در محاصره گرفت. در دوره محاصره، عزوگ یهودی به پیامبر ﷺ سوء قصد کرد که به دست علی رضی الله عنه کشته شد.^۵ سپس پیامبر ﷺ فرمان داد تا درختان خرماى بنی نضیر در بُویره را قطع کنند.^۶ سرانجام یهودیان تسلیم شدند و پذیرفتند که تنها با یکبار شتر از اموالشان، به جز اسلحه و نقره و طلا، از مدینه خارج شوند.^۷ بعضی از آنان از جمله حُیبن اخطب که دخترش صفیه پس از فتح خیبر در سال هفتم هجری به همسری پیامبر ﷺ درآمد و ابی‌الحقیق (همسر اول صفیه)، به خیبر رفتند و برخی به شام مهاجرت کردند.^۸ از آنجاکه جنگی در نگرفته بود اموال برجای مانده در حکم غنیمت نبود و تصرف در آن به اختیار پیامبر ﷺ بود.^۹ از این رو پیامبر ﷺ با توافق انصار آن را میان مهاجران تقسیم کرد تا وظیفه حمایت از مهاجران توسط انصار پایان پذیرد.^{۱۰} سوره حشر^{۱۱} درباره غزوه بنی نضیر و اخراج این قبیله نازل شده است. پیامبر ﷺ، نیز بنی نضیر را میان قوم خود مانند بنی مُغیره در قریش می‌دانست.^{۱۲} شعراى چون قیس بَحْر الْأَشْجَعِی، سَمَاک یهودی و عباس بن مرداس سَلْمِی قصیده‌هایی در آوارگی و کشته شدن کعب بن اشرف و مدح رجال بنی نضیر سروده‌اند.^{۱۳}

۱. واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۳۶۹.
۲. همان، ص ۳۶۸؛ طبری، تاریخ الامم والملوک، ج ۲، ص ۵۵۳.
۳. واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۳۷۱.
۴. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۳، ص ۲۰۰.
۵. واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۳۷۱.
۶. ابن کثیر، السیره النبویه، ج ۴، ص ۷۷.
۷. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۹ - ۴۸.
۸. حلبی، السیره الحلبیه، ج ۲، ص ۸۴ و ۲۰۷؛ ابن کثیر، السیره النبویه، ج ۴، ص ۷۶ - ۷۵، ۱۹۸ - ۱۹۶؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۱۲۲.
۹. حشر (۵۹): ۸ - ۶.
۱۰. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۳، ص ۲۰۱-۲۰۲؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۱۱۹؛ حلبی، السیره الحلبیه، ج ۲، ص ۸۵.
۱۱. حشر (۵۹): ۱۷ - ۱.
۱۲. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۵۸؛ واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۳۷۵.
۱۳. ابن هشام، السیره النبویه، ج ۳، ص ۲۱۳ - ۲۰۵.

۲. علل آغاز جنگ از منظر روایات شأن نزول

بنا بر نظر مفسرین قرآن کریم، بخش عمده آیات سوره حشر در ارتباط با پیمان شکنی دومین گروه یهود مستقل مدینه (بنی نضیر) و تصمیم به قتل پیامبر ﷺ از سوی ایشان نازل شده است؛^۱ اما در ارتباط با علل پیمان شکنی ایشان دو گونه نقل وارد شده است:

۱. هنگامی که رسول الله ﷺ وارد مدینه شد، با بنی نضیر سازش کرد، به شرط آنکه آنان نه با پیامبر ﷺ بستیزند و نه کسانی را که با پیغمبر خدا ﷺ جنگ می کنند، کمک نمایند ولو اینکه قبلاً با آنان هم عهد و پیمان بوده باشند. وقتی که نبی اکرم ﷺ در جنگ بدر با مشرکان جنگ کرد و آنان را شکست داد، بنی نضیر گفتند: به خدا قسم که این شخص همان پیغمبری است که در تورات صفت او ذکر شده است و ما آن را دیده و خوانده ایم و هیچ کس بر او چیره نخواهد شد. ولی زمانی که در جنگ احد مسلمانان شکست خوردند، بنی نضیر پیمان خود را با پیامبر ﷺ شکستند و با حضرت و مسلمانان دشمنی ورزیدند. رسول الله ﷺ آنان را در محاصره خویش درآورد و با آنان به شرط اینکه از مدینه خارج شوند صلح کرد.^۲

۲. در تفسیر قمی در ذیل آیه شریفه «هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ» گفته شده: سبب نزول این آیه چنین بود که در مدینه سه طایفه و دودمان از یهودیان زندگی می کردند، بنی نضیر بود، بنی قریظه و بنی قینقاع. این سه طایفه با رسول خدا ﷺ عهدی داشتند که مدتی مورد احترام بود، اما پس از چندی یهودیان آن عهد را شکستند. سبب این عهد شکنی در بنی نضیر این بود که ایشان تصمیم به قتل پیامبر ﷺ گرفتند.^۳ درباره اصل داستان در میان مفسران اختلافی نیست. اختلاف صرفاً درباره چگونگی انجام ترور پیامبر اکرم ﷺ توسط بنی نضیر می باشد.

۳. گزارش غزوه در قرآن

قرآن کریم در سوره مبارکه حشر، موضوع یهودیان بنی نضیر را مطرح نموده و دلیل دشمنی آنها و واکنش اسلام در برابرشان را تبیین نموده است. عمده ترین مباحث بیان شده در ارتباط با غزوه بنی نضیر در این سوره عبارتند از:

۱. حشر (۵۹): ۸ - ۲ و ۱۴ - ۱۱.

۲. اسلامی، شأن نزول آیات، ص ۵۲۸.

۳. قمی، تفسیرالقمی، ج ۲، ص ۳۵۹ - ۳۵۸.

الف) دلیل برخورد با بنی‌نضیر

از نظر خداوند دلیل اصلی برخورد با بنی‌نضیر دشمنی ایشان با خدا و رسولش عنوان شده است.^۱

ب) حکم دهنده

خداوند حکم جلای وطن بنی‌نضیر را مستقیماً به خود نسبت می‌دهد و می‌فرماید: او کسی است که برای اولین بار کافرانی از اهل کتاب را از دیارشان بیرون کرد.^۲

ج) کیفیت مجازات

خداوند حکم به اخراج و جلای وطن بنی‌نضیر داد. یهودیان از قلعه‌های خود بیرون شده، جمعی از ایشان به فدک و جمعی به وادی القری و گروهی به شام رفتند و اگر اراده الهی بر کوچ دادن ایشان تعلق نگرفته بود، ایشان را به عذاب دنیا - مانند کشته شدن و اسارت - گرفتار می‌کرد. به این معنا که قضای الهی بر این شد تا مجازات ایشان از آنچه در پیمان‌نامه آمده بود خفیف‌تر باشد.

د) علل اصلی تسلیم‌شدن بنی‌نضیر

الف) از گزارش‌های تاریخی استفاده می‌شود که بنی‌نضیر از دو قبیله دیگر یهودیان مدینه (بنی‌قینقاع و بنی‌قریظه) اهمیت بیشتر و موقعیت بهتری داشته است.^۳ لذا با توجه به مکنت مالی، شوکت مقامی و قوت نظامی، انتظار مقاومت و نبرد سخت از جانب آنها می‌رفت اما تاریخ شاهد تسلیم شدن زبونانه ایشان بوده است. قرآن کریم دلیل این امر را اراده الهی در ایجاد رعب و وحشت در دل ایشان دانسته است و می‌فرماید: «وَقَدَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ» منظور از رعب، ترسی است که همه وجود را فرامی‌گیرد.^۴ به استناد قرآن کریم می‌توان گفت که شاید بنی‌نضیر هر روش احتمالی را در شیوه رویارویی پیامبر ﷺ با خود مورد توجه قرار داده بود جز آنچه که خداوند از آن بهره برد، چراکه خداوند می‌فرماید: «فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا»: از جایی که گمان نمی‌بردند مورد هجوم قرار گرفتند.

ب) کار دیگر که در حکم به کارگیری سلاح بود، قطع بعضی از درختان خرما توسط یاران

۱. ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ، وَمَنْ يُشَاقِقِ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ. (حشر: ۵۹): ۴

۲. هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ. (حشر: ۵۹): ۲

۳. واقدی، المغازی، ج ۱ ص ۳۶۹ و ۳۷۵؛ ابن‌هشام، السیرة النبویه، ج ۱، ص ۵۶۶.

۴. الرعب: الخوف الذي يملأ القلب. (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ص ۲۰۲؛ مصطفوی، التحقیق فی

کلمات القرآن الکریم، ج ۴، ص ۱۵۷)

پیامبر ﷺ بود. البته خداوند همین کار را نیز به اذن خود می‌داند و می‌فرماید: «مَا قَطَعْتُمْ مِنْ لِيَنهَا وَ تَرَكْتُمْهَا قَائِمَةً عَلَيَّ أَصُولَهَا فَإِنَّ اللَّهَ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ». نتیجه به‌کارگیری این سلاح، خواری و احساس بی‌یاور ماندن بنی‌نضیر بود، به‌گونه‌ای که می‌توان گفت یهودیان بنی‌نضیر از جنگ میدانی خودداری کرده و صرفاً یا به تجمع درون قلعه‌ها بسنده نموده و یا به حرکات ایذائی در نزدیکی دیوار قلعه‌ها به قصد شیبخون بهره بردند. تخریب خانه‌های یهود توسط خودشان و سپس تخریب خانه‌های ایشان به دست مؤمنین نتیجه دیگر این غزوه بود.^۱ نتیجه روانی این نبرد نیز خواری و زبونی کسانی بود که از قالب بندگی خدا خارج شده بودند. قرآن کریم در رابطه با اینکه چه عامل یا عواملی واسطه نفوذ رعب الهی در دل ایشان گردید، سکوت کرده است اما می‌توان گفت: کشته شدن «عزورا» جنگجوی صاحب‌نام نضیریان - کسی که قصدشیبخون زدن به مسلمین را داشت - به‌دست امام علی علیه السلام تأثیر بسزایی در این موضوع داشته است.^۲

ت) عامل دیگر در شکست بنی‌نضیر از نظرگاه قرآن کریم وجود تفرقه در میان یهودیان بوده است. «تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى». ^۳ تو ای پیامبر! ایشان را متحد و متشکل می‌بینی و می‌پنداری که باهم اتحاد دارند، ولی این‌طور نیست، دل‌هایشان متفرق و پراکنده است و همین عامل قوی برای خواری و بیچارگی ایشان است و علت آن پراکندگی هم این است که مردمی فاقد تعقل‌اند، چراکه اگر تعقل می‌داشتند، آرای خود را یکی می‌کردند. ^۴ بنا براین عدم پابندی ایشان به راهبری عقل و نادیده انگاشتن احکام عقلی، باعث رنج و زحمت آنان است. آیه شریفه هم بر همین نکته تأکید فرموده و آنان را ذلیلانه به این مطلب بازگردانده است: ^۵ «ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ».^۶

در این رابطه شاید بتوان معنی آیه را توسعه داد و تفرقه میان بنی‌نضیر و بنی‌قریظه و تفرقه میان ایشان با منافقین را نیز به آن افزود. چراکه ما شاهد عدم یاری بنی‌نضیر از سوی بنی‌قریظه و منافقین هستیم. عبدالله ابن ابی‌سرکرده منافقین مدینه حی ابن‌خطب را از ترک مدینه باز داشته و به جنگ با پیامبر ﷺ تشویق نمود اما خود علی‌رغم وعده‌هایی که داده بود، کناری نشست و اخراج بنی‌نضیر را تماشا کرد. هیچ‌کدام از قبایل یهودی به حمایت و دفاع از قبیله دیگر همت نکرد.

۱. يُخْرِطُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ. (حشر (۵۹): ۲)

۲. واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۳۷۲.

۳. همان، ص ۳۶۵، ۳۶۸ و ۳۷۳.

۴. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ص ۲۱۳

۵. العاملی، الصحیح من سیرة النبی الأعظم، ج ۸، ص ۱۳۷.

۶. حشر (۵۹): ۱۴.

همچنان که متحدان و هم‌پیمانان یهود از غطفان و منافقان هم به یاری هیچ‌کدام از قبایلی که با آنان پیمان بسته و وعده نصرت و یاری داده بودند، نیامدند. این تصریح قرآن کریم است که خداوند متعال در توصیف وضعیت آنان فرمود: آیا به وضع کسانی که نفاق ورزیدند نیاندیشیدی که به برادران خود، یعنی به آنهایی که از اهل کتاب کافر شدند، می‌گویند: اگر مسلمانان شما را از دیارتان بیرون کنند ما نیز مطمئناً با شما بیرون خواهیم شد و درباره شما احدی را ابداً اطاعت نخواهیم کرد و اگر با شما جنگ کنند به‌طور یقین و حتماً یاری‌تان خواهیم نمود و خدا شهادت می‌دهد به این که ایشان دروغ گویند و مسلماً اگر بنی‌نضیر از دیارشان بیرون شوند این منافقین با آنان بیرون نخواهند رفت و اگر با ایشان بجنگند یاری‌شان نخواهند نمود و بفرض هم که یاری‌شان کنند در وسط کارزار فرار خواهند کرد و آن وقت خودشان همیاری نخواهند شد. شما مسلمانان در نظر آنان ترسناک‌ترید از خدا و این بدان جهت است که ایشان مردمی نفهم‌اند.^۱

در جمع بندی مطالب فوق به این نتیجه می‌رسیم که خداوند متعال، شکست بنی‌نضیر را به خود نسبت می‌دهد و به شیوه‌های مختلف بر آن تأکید می‌ورزد؛ چنان‌که گوئی مسلمانان در شکست بنی‌نضیر چیزی به حساب نمی‌آیند و حتی مسلمانان خود نیز گمان نمی‌کردند که یهودیان را از مدینه اخراج کنند. بنی‌نضیر هم مطمئن بودند دژهای استوار، آنها را محافظت خواهند کرد اما خدای متعال فتح قلعه‌های ایشان را برای مسلمانان توسط خود بنی‌نضیر فراهم نمود. مرور کلی نکات قرآنی در مورد یهود بنی‌نضیر که برگرفته از آیات مربوطه در سوره حشر است، به شرح زیر می‌باشد:

- کفر و دشمنی با خدا و رسولش دلیل برخورد پیامبر ﷺ با بنی‌نضیر بود.
- بنی‌نضیر به جلای وطن محکوم شدند.
- انتصاب حکم اخراج به خداوند.
- استفاده از سلاح ظاهری (قطع درختان) و سلاح روحی و روانی (رسوخ ترس به دل یهودیان) برای غلبه بر دشمن.
- عامل اصلی شکست، عامل روحی و روانی بوده است. (افتادن ترس به دل دشمن) جنگ روانی نقش به‌سزائی در پیروزی نظامی دارد.
- هر نیرویی هر چقدر هم زیاد باشد در برابر توان الهی هیچ محسوب می‌شود.^۲

۱. حشر (۵۹): ۱۳ - ۱۱.

۲. وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. (حشر (۵۹): ۶)

- عملیات نظامی موفق باید غافل گیرانه بوده و از مناطقی پیگیری شود که دشمن حسابی برای آن باز نکرده باشد.^۱

- توجه به خواست و اراده خدا حتی در کارهایی که ما به ظاهر به اراده خودمان انجام می‌دهیم.^۲

- از ویژگی‌های مهم جبهه باطل، تزلزل و تشتت درونی است.^۳

- نباید به وعده یاری منافقین و جبهه نفاق دل خوش کرد.

- کافر و منافق برادر یکدیگرند.^۴

- ارائه الگوی رفتاری منافقین در دوستی ایشان با کفار.^۵

کیفیت تقسیم غنائم

از آنجاکه اموال بنی نضیر بدون جنگ به تصرف مسلمین درآمد، از نظر قرآن کریم از اموال «فیء»^۶ بشمار می‌رود.^۷ خدای تعالی از اموال بنی نضیر به رسول خدا ﷺ برگردانید - و ملک آن

۱. فَأَنْهَهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا. (حشر (۵۹): ۲)

۲. مَا قَطَعْتُمْ مِنْ لَبَنٍ أَوْ تَرَكْتُمْوهَا فَايْمَةً عَلَىٰ أَوْلِيَّهَا فَايْذِنِ اللَّهُ وَلِيُخْزِيَ الْأَفْسِقِينَ. (حشر (۵۹): ۵)

۳. تَحَسَّبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ سَتَىٰ. (حشر (۵۹): ۱۴)

۴. أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ. (حشر (۵۹): ۱۱)

۵. الگوی رفتاری منافقین در دوستی با کفار اهل کتاب از منظر قرآن کریم مستند به آیات ۱۱ تا ۱۷ سوره حشر.

- اظهار دوستی با کفار و متظاهرين به یکتاپرستی. (کفار اهل کتاب)

- منافق و کافر برادر یکدیگرند چراکه در عقیده و تفکر مانند یکدیگرند.

- وعده قطعی به حمایت از مخالفین پیامبر ﷺ و اسلام. (اظهار استواری و پایداری در برخورد و مقابله با مؤمنین)

- دروغ‌گویی و عهدشکنی منافقین حتی نسبت به دوستان.

- منافقین از بندگان حقیقی خداوند بیشتر از خود خدا می‌ترسند چراکه شناختی از خدا و قدرت بی‌انتهای او ندارند.

- منافقین در حالی درصدد ایجاد تفرقه میان مؤمنین هستند که بیشترین جدایی و تفرقه میان قلوب خودشان است.

- عامل اصلی در نفاق عدم عقلانیت است. عدم عقلانیت، انسان منافق را به خدافراموشی کشانده و این خدافراموشی باعث می‌شود او خیر و صلاح خودش را فراموش کرده و خود را به هلاکت افکند.

- مثل منافق، مانند شیطان است. همان‌گونه که شیطان انسان را اغوا نموده و او را دعوت به کفر و نافرمانی از دستورات خداوند می‌نماید - و برای انجام این کار دنیا را در چشم او جلوه‌گر می‌کند - منافق نیز همه را به مخالفت با پیامبر ﷺ و اسلام فرامی‌خواند و در اوج منازعه خودش را کنار کشیده و برادران کافرش را تنها می‌گذارد.

- قلوب منافقین از سنگ هم سخت‌تر است زیرا در برابر آیات الهی که همه هستی از جمله کوه‌های سخت نیز

در برابر آنها خاضع هستند نه تنها هیچ خضوع، خشوع و خوفی ندارند بلکه درصدد معارضا با آنها بر می‌آیند.

۶. والفيء الغنيمه والفعل منه أفاء. قال جل وعز: مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ. (فراهیدی، العین، ج ۸، ص ۴۰۷)

۷. قرآن سرزمین‌هایی که بدون جنگ به تصرف مسلمین درآید را از انفال دانسته و مختص پیامبر می‌داند.

را به رسول خدا ﷺ اختصاص داد - بدین جهت به آن جناب اختصاص داد و شما مسلمانان را در آن سهیم نکرد که در گرفتن قلعه آنان مرکبی سوار نشدید و به خاطر این که راه قلعه تا مدینه نزدیک بود پیاده به آنجا رفتید و خدای تعالی پیامبران خود را بر هر کس بخواهد مسلط می‌سازد و خدا بر هر چیزی قادر است.^۱ و اینک رسول اسلام ﷺ را بر بنی‌نضیر مسلط ساخته، در نتیجه فی غنیمت) و اموالی که از این دشمنان به دست آمده خاص آن جناب است، هر کاری که بخواهد در آن اموال می‌کند.

بررسی غزوه بنی‌نضیر در چارچوب الگوی نگرشی

با بررسی واقعه بنی‌نضیر در چارچوب الگوی نگرشی قرآن کریم می‌توان نتایج ذیل را استخراج نمود:

۱. رفتارشناسی گروه‌ها و افراد

یکی از شیوه‌های تاریخ‌نگاری در قرآن این اصل است که در مسیر نقل و تحلیل تاریخ، تیپ‌ها و شخصیت‌ها (گروه‌ها و افراد) به خوبی مورد شناسایی قرار می‌گیرند.^۲ در این مورد علاوه بر بیان این معنا که صرف اتصاف به یک عنوان ایمانی مانند یهودی بودن، فرد را مؤمن نمی‌کند بلکه عمل انسان بیانگر ماهیت اعتقادی اوست - لذا اگر کسانی به عنوان اهل کتاب مشهور بودند اما با خدا و رسولش دشمنی کردند در حقیقت کافر هستند - خداوند با رفتارشناسی منافقین در دوستی با کفار اهل کتاب نکات مهمی را بیان می‌کند و می‌فرماید:

الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَئِنْ أُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ وَلَا نُطِيعُ فِيكُمْ أَحَدًا أَبَدًا وَإِنْ قُوتِلْتُمْ لَنَنْصُرَنَّكُمْ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ * لَئِنْ أُخْرِجُوا لَا يَخْرُجُونَ مَعَهُمْ وَلَئِنْ قُوتِلُوا لَا يَنْصُرُونَهُمْ وَلَئِنْ نَصَرُوهُمْ لَيُوَلُّنَّ الْأُدْبَارَ ثُمَّ لَا يُنصَرُونَ * لَأَنْتُمْ أَشَدُّ رَهْبَةً فِي صُدُورِهِمْ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ.^۳

که می‌توان از آن به عنوان الگویی در شناخت رفتار منافقین بهره برد.

الف) اظهار دوستی با کفار و متظاهرين به یکتاپرستی. (کفار اهل کتاب)

ب) منافق و کافر برادر یکدیگرند چراکه در عقیده و تفکر مانند یکدیگرند.

۱. وَمَا آفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ وَلَكِنَّ اللَّهَ يُسَلِّطُ رُسُلَهُ، عَلَى مَنْ يَشَاءُ. (حشر (۵۹): ۶)

۲. رادمش، تاریخ در قرآن، ص ۶۸

۳. حشر (۵۹): ۱۱، ۱۲ و ۱۳.

پ) وعده به ظاهر قطعی اما دروغین، به حمایت از مخالفین پیامبر و اسلام (اظهار استواری و پایمردی در برخورد و مقابله با مؤمنین).

ج) دروغ‌گویی و عهدشکنی منافقین حتی نسبت به دوستان خودشان.

د) منافقین از بندگان حقیقی خداوند بیشتر از خودِ خدا می‌ترسند چراکه شناختی از خدا و قدرت بی‌انتهای او ندارند.

۲. عرضه جهان‌بینی توحیدی

در نوع نگرش تاریخی قرآن کریم جهان‌بینی توحیدی به معنای حاکمیت مطلق اراده الهی بر تمام آفرینش نمایان است.^۱ آیات ۲ تا ۴ و ۶ سوره حشر با انتصاب حکم اخراج بنی‌نضیر، نوع مجازات و عقوبت سخت ایشان به خداوند و توجه به خواست و اراده خدا حتی در کارهایی که ما به ظاهر به اراده خودمان انجام می‌دهیم، مانند قطع کردن یا قطع نکردن درختان در واقعه مذکور، در واقع حاکمیت اراده الهی را نشان می‌دهد. البته این بیان معنای انکار اراده انسان نیست بلکه به معنای حاکمیت قطعی اراده خداوند بر جهان هستی است.

۳. توجه به ریشه و علل حوادث و تحلیل چرایی رخدادها

قرآن به دنبال علل وقایع است. پژوهشگر در قرآن همواره در مقابل چرایی حوادث قرار دارد.^۲ خداوند در تحلیل چرایی برخورد قهرآمیز با بنی‌نضیر، دلیل آن را دشمنی آشکار با خدا و رسولش می‌داند و می‌فرماید: «ذلک بانهم شاقوا الله ورسوله ومن یشاق الله فان الله شدید العقاب» و در توضیح این که چرا دشمن از نبرد رودررو با مسلمانان هراس دارد، فقدان عقلانیت را دلیل اصلی دانسته و می‌فرماید: «لَا يُقَاتِلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرَى مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ بَأْسُهُمْ بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّىٰ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ»^۳ بنی‌نضیر و منافقین هر دو طایفه از جنگیدن با شما در فضای باز خودداری می‌کنند و جز در قلعه‌های محکم و یا از پس و پشت دیوارها با شما کارزار نمی‌کنند. علت آن پراکندگی هم این است که مردمی فاقد تعقل‌اند، چون اگر تعقل می‌داشتند متحد گشته آرای خود را یکی می‌کردند و به شکل متحد به جنگ مسلمانان می‌رفتند.

۱. رادمنش، تاریخ در قرآن، ص ۸۵

۲. دانش‌کبا، نگامی دیگر به تاریخ در قرآن، ص ۶۳

۳. حشر (۵۹): ۱۴.

۴. هشدار به معاندین نسبت به دشمنی ایشان با خدا و رسولش

در این مورد خداوند با یادآوری عقوبت سخت و عذاب دوزخ برای کافران، به ایشان این نکته را یادآوری می‌کند که مجازات دنیوی تنها بخش کوچکی از عقوبت آنها است و عقوبت شدیدتر که همان عذاب اخروی می‌باشد در انتظار آنهاست. اشاره به عذاب جهنم و عقوبت سخت در آیات ۳ و ۴ سوره حشر در همین راستا است. «وَلَوْلَا أَنْ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْجَلَاءَ لَعَذَّبَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ * ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ، وَمَنْ يُشَاقِّ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» و یا در آیه ۱۷ پس از تشبیه منافقین به شیطان از حیث فریب‌دادن و سپس بی‌اعتنایی به پیروان‌شان می‌فرماید: «فَكَانَ عَاقِبَتُهُمَا أَنَّهُمَا فِي النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ».

۵. عبرت‌گیری از گذشته

از آنجاکه اساساً ورود قرآن به تاریخ برای توجه‌دادن انسان‌ها جهت عبرت‌گرفتن از سرنوشت تلخ کسانی است که حاضر به بندگی خداوند نشدند، در آیات مربوط به سرکشی بنی‌نضیر نیز خداوند به صراحت از مخاطبین قرآن می‌خواهد که از جریان و سرنوشت ایشان عبرت بگیرند و با آورد عبارت «فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ»، بر آن تأکید می‌کند و می‌فرماید: «يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ»^۱.

۶. پند، اندرز و تذکر به مؤمنین

معارف و حقایق قرآن کریم برای مؤمنین، هم تذکر است و هم موعظه.^۲ خداوند پس از ذکر جریان بنی‌نضیر و دوستان منافق‌شان و بیان سرنوشت نکبت‌بار ایشان، به مؤمنین هشدار می‌دهد که مراقب باشند در فراموش کردن خداوند مانند آنها نشوند که اگر چنین شد، در عذاب به سرنوشت ایشان دچار می‌شوند. «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ * لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَائِزُونَ»^۳.

۷. تقویت قلب پیامبر ﷺ

قرآن از طریق بازگویی اخبار مربوط به انبیای پیشین به دنبال این است که پیامبر ﷺ قوت قلب

۱. حشر (۵۹): ۲.

۲. دانش‌کیا، نگاهی دیگر به تاریخ در قرآن، ص ۵۱.

۳. حشر (۵۹): ۱۹.

گیرد.^۱ اگرچه در آیات مربوط به این غزوه عباراتی که به این معنا تصریح کند مشاهده نمی‌شود اما بعضی عبارات‌ها می‌تواند متضمن این معنا باشد. مانند عبارت «ولکن الله یسلط رسله علی من یشاء» که به معنای وعده قطعی خداوند بر پیروزی پیامبرانش بر هر کس که بخواهد می‌باشد.

۸. هشدار به انسان نسبت به اظهار دوستی منافقین و صادق نبودن ایشان در این ادعا در این رابطه نیز خداوند با اشاره به سرنوشت کسانی که در امت‌های گذشته فریب وعده‌های شیطان را خوردند و به کیفرهای دنیوی و عذاب اخروی مبتلا گشتند، واقعیت فریب کاری شیطان را بیان نموده و انسان را نسبت به فریب کاری شیطان متذکر می‌کند و می‌فرماید:

لَمَّا تَرَى إِلَى الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَئِن أُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ وَلَا نُطِيعُ فِيكُمْ أَحَدًا أَبَدًا وَإِنْ قُوتِلْتُمْ لَنَنْصُرَنَّكُمْ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ * لَئِن أُخْرِجُوا لَا يَخْرُجُونَ مَعَهُمْ وَلَئِن قُوتِلُوا لَا يَنْصُرُونَهُمْ وَلَئِن نَصَرُوهُمْ لَيُولِيَنَّ الْأَدْبَارُ ثُمَّ لَا يَنْصُرُونَ.^۲

بررسی غزوه بنی‌نضیر در چارچوب الگوی نگارشی

۱. شناسایی تیپ‌ها و شخصیت‌ها

به نظر می‌رسد این شیوه هم در الگوی نگارشی جای دارد، چراکه هم یک شیوه در نقل حوادث می‌باشد و هم در الگوی نگارشی، زیرا به تحلیل تیپ‌های گوناگون اجتماعی و نسبت آنها با ایمان به خدا می‌پردازد.

۲. عدم التزام به چارچوب رایج در منابع تاریخی در ثبت وقایع

بر خلاف منابع تاریخی که معمولاً رخدادها را از ابتدا تا انتها بی‌کم و کاست روایت می‌کنند و سعی می‌کنند که تمام جزئیات مربوط به آن واقعه ذکر شود، در قرآن کریم، پرداختن به یک واقعه ممکن است به روش‌های متفاوتی که پیش از این بیان گردید صورت بگیرد. در جریان پردازش تاریخی غزوه بنی‌نضیر خداوند در آغاز به بیان نتیجه رخداد و نکات اصلی آن و سپس بیان جریان از ابتدا تا انتها پرداخته است.

۱. دانش‌کیا، نگامی دیگر به تاریخ در قرآن، ص ۵۰.

۲. حشر (۵۹): ۱۲ - ۱۱.

۳. استفاده از بیان استعاره‌ای

بیان استعاره‌ای در نقل یک رویداد از حیث رساندن معنا به شیواترین شکل، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در گزارش‌های تاریخی مربوط به بنی‌نضیر نیز، خداوند از بیان استعاره‌ای بهره گرفته است. زمانی که از بهره‌گیری از امداد غیبی و ترس انداختن به دل بنی‌نضیر عهدشکن سخن می‌گوید، با آوردن کلمه «قذف»، ترس افکندن به دل‌های ایشان را به پرتاب ناگهانی سنگ بر سر انسان تشبیه می‌کند و می‌فرماید: «وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ».^۱ کلمه «قذف» در اینجا به معنای پرتاب شدید و ناگهانی است که به معنای شدت وحشت و پرشدن قلب از ترس می‌باشد.^۲

۴. بهره‌گیری از تمثیل و تشبیه

قرآن کریم به صورت گسترده از مثال‌های گوناگون استفاده کرده و با زبانی ساده و روان؛ از حقایقی ژرف و معارفی عمیق پرده برداشته است.^۳ در قصه بنی‌نضیر خداوند مثل یهودیان بنی‌نضیر در عهدشکنی و در اینکه منافقین وعده دروغی نصرت به آنان دادند و سرانجام کارشان به جلای وطن انجامید، به مثل اقوامی تشبیه نموده که قبل از ایشان بودند؛ و منظور از آن اقوام «بنی‌قینقاع» است که تیره دیگری از یهودیان مدینه بودند، آنها هم بعد از جنگ بدر عهدشکنی کردند و رسول خدا ﷺ از سرزمین مدینه بیرون‌شان کرد و به سرزمین اذرعات فرستاد. منافقین به آنها هم نیرنگ زدند و درحالی که وعده داده بودند که درباره آنان با رسول خدا ﷺ صحبت می‌کنند و نمی‌گذارند آن جناب بیرون‌شان کند؛ و بنی‌قینقاع فریب آنان را خورده و سرانجام از مدینه بیرون شدند و نتیجه کار خود را چشیدند و در آخرت عذابی الیم دارند. خداوند در تشبیهی دیگر پوچ بودن وعده‌های منافقین مبنی بر یاری دادن دوستان یهودیشان را به وعده‌های شیطان به انسان - زمانی که او را به کفر ورزیدن دعوت می‌کند - تشبیه نموده و می‌فرماید زمانی که انسان به وعده‌های شیطان اعتماد نمود و کافر شد آنگاه شیطان از انسان اعلام برائت نموده و یاریش نمی‌کند. (البته قدرتی هم بر یاری ندارد) خداوند در این رابطه می‌فرماید:

كَمْثَلِ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَرِيبًا ذُفُّوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ * كَمْثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ

۱. حشر (۵۹): ۲.

۲. سیدرضی، تلخیص البیان فی مجازات القرآن، ص ۲۶۴.

۳. محمدقاسمی، تمثیلات قرآنی، ص ۴۹.

قَالَ لِلْإِنْسَانِ أَكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ * فَكَانَ عَاقِبَتُهُمَا أَنَّهُمَا فِي النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ^۱.

۵. بهره‌گیری از ظرافت‌های نحوی زبان عربی، در راستای ظرفیت‌های معنایی

در رابطه با این روش می‌توان به آیه ۲ سوره حشر اشاره کرد که می‌فرماید: «مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُوا أَنَّهُمْ مَأْنِعُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ» در اینجا با مقدم نمودن خبر «مَأْنِعُهُمْ» بر مبتدا «حُصُونُهُمْ»، درصدد بیان شدت اعتماد بنی‌نضیر به استحکام قلعه‌های‌شان در راستای حفاظت از ایشان می‌باشد و با قرار دادن ضمیر «هم» به‌عنوان اسم «ان» می‌خواهد این معنا را برساند که بنی‌نضیر هیچ‌کس را در اندازه‌ای از توان نمی‌دیدند که بتواند ایشان را از قلعه‌های‌شان بیرون کند.

نتیجه

قرآن کریم، خودش را کتاب ذکر «نحن نزلنا الذكر لقرئدیسرنا القرآن للذکر و...»، هدایت، بصیرت و مشابه آنها معرفی می‌نماید. این کتاب هدایت برای تحقق نقش هدایتگری خود از تاریخ هم - همان گونه که از دیگر پدیده‌ها و دانش‌ها - بهره گرفته است. از آنجاکه هدف از نزول قرآن کریم هدایت بشر است، لذا ساختار گزارش‌های تاریخی در قرآن، ساختار یک گزارش تاریخی معطوف به هدف هدایت است. قرآن کریم هیچ‌گاه وقایع را با تفصیلی که در منابع تاریخی معمول است ذکر نمی‌کند و تنها به نقاطی از حادثه اشاره دارد که برای زندگی سعادت‌مندان بشر راهگشا و سبب هدایت اوست، به این معناکه آنچه الگوی نگارشی وقایع را در قرآن تشکیل می‌دهد، به نسبت نکته یا نکاتی که خداوند در بحث هدایت مدنظر دارد متغیر است.

در بعد نگرشی نیز قرآن کریم به انسان‌ها می‌آموزد هنگام تحلیل حوادث و وقایع، به چه عوامل و مؤلفه‌هایی باید توجه داشت، یا چه عواملی باعث شکست و پیروزی در جنگ‌ها می‌شود. در تاریخ‌نگاری، هر مسئله‌ای با سنت حاکم بر آن مسئله و عقبه‌های خودش شناخته می‌شود و لذا فهم منطق تحول اندیشه امکان‌پذیر می‌شود و می‌توان دریافت که هر اندیشه‌ای در کجا بر خطا و در کجا درست اندیشیده شده است و منطق مرزبندی میان اندیشه درست و خطا در کجاست.

۱. حشر (۵۹): ۱۷ - ۱۵.

پس از هجرت پیامبر ﷺ یکی از اقدامات آن حضرت در راستای وحدت جامعه مدینه، علاوه بر پیمان عمومی، انعقاد پیمان های جداگانه با سه قبیله یهودی ساکن این شهر بود. یکی از این قبایل بنی نضیر بود که به نظر می‌رسد از دو قبیله دیگر (بنی قینقاع - بنی قریظه) از لحاظ تعداد و بنیه اقتصادی قوی تر بودند. عهدشکنی و تصمیم به قتل پیامبر ﷺ از سوی بنی نضیر از چنان درجه‌ای از اهمیت برخوردار بوده است که خداوند بخش عمده‌ای از سوره حشر را به این موضوع اختصاص داده است. به گونه‌ای که نکات و نحوه انعکاس غزوه بنی نضیر در قرآن کریم به‌طور کامل قابلیت پوشش در الگوی نگارشی (پردازش) و نگارشی دارد. به‌طور مثال در بیان قصه بنی نضیر ابتدا نتیجه غزوه که اخراج بنی نضیر است را بیان می‌کند و سپس اشاراتی به برخی رخدادها همچون تخریب خانه‌های یهود و یا قطع کردن درختان خرما می‌کند و می‌فرماید:

هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ.

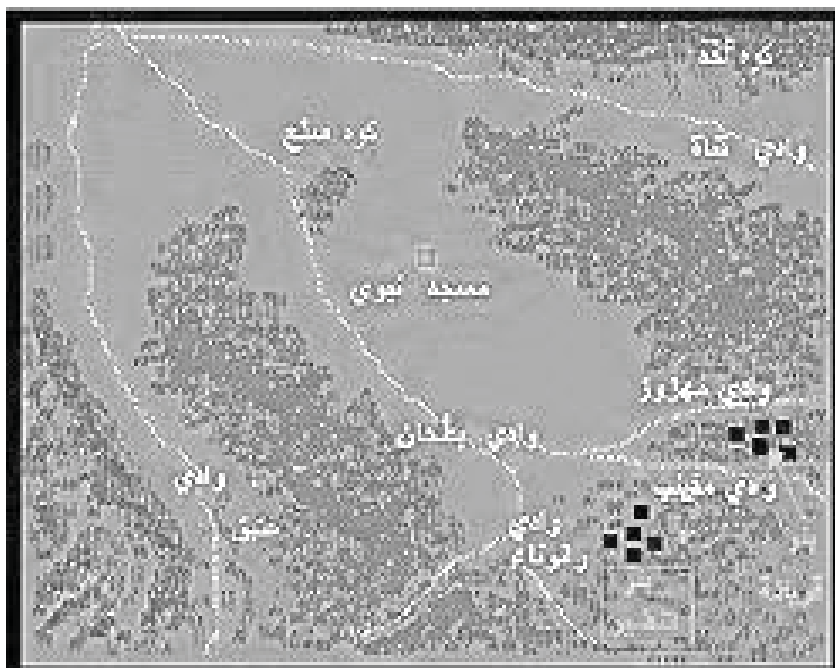
باتوجه به نتایج این پژوهش می‌توان گفت الگوی ارائه شده در این مقاله قابلیت تعمیم به سایر حوادث تاریخی مذکور در قرآن کریم را داشته و امکان پژوهش در این حوزه را میسر می‌کند.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن اثیر جزری، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دار الصادر، ۱۳۸۵.
۳. ابن سعد کاتب واقدی، *الطبقات الکبری*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ ق.
۴. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل، *السیره النبویه*، تحقیق مصطفی عبدالواحد، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۲ ق.
۵. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، *تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق محمدحسین شمس‌الدین، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۹ ق.
۶. ابن هشام، عبدالملک، *السیره النبویه*، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم البیاری و عبدالحفیظ شلبی، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
۷. ابوالفرج اصفهانی، *الأغانی*، بیروت، دار احیاء تراث العربی، ۱۴۱۵ ق.

- ۶۸ □ فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، س ۸، زمستان ۹۶، ش ۲۹
۸. ادريس، عبد الله عبد العزيز، مجتمع المدينة في عهد الرسول، رياض، جامعة الملك سعود، بی تا.
۹. اسلامی، محمد جعفر، شأن نزول آیات، تهران، نشرنی، ۱۳۸۳.
۱۰. جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بیروت / بغداد، دارالعلم للملایین، مکتبه النهضه، ۱۹۷۰ م.
۱۱. حلبی شافعی، ابو الفرج، السیره الحلبیه، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۷ ق.
۱۲. یاقوت حموی، حموی، معجم الادباء، مصر، بیروت، چاپ افسس، ۱۳۵۷ - ۱۳۵۵ / ۱۹۳۸ - ۱۹۳۶ م.
۱۳. دانش کیا، محمد حسین، نگاهی دیگر به تاریخ در قرآن، قم، نشر معارف، ۱۳۹۳.
۱۴. ذهبی، محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، به کوشش شعيب ارنؤوط و دیگران، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۵ ق / ۱۹۸۵ م.
۱۵. رادمنش، عزت الله، تاریخ در قرآن، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸.
۱۶. سمهودی، نور الدین علی، وفاء الوفاء بأخبار دارالمصطفی، به کوشش محمد محبی الدین عبد الحمید، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۸۴ م.
۱۷. سیدرضی، محمد بن حسین، تلخیص البیان فی مجازات القرآن، بیروت، دارالاضواء، بی تا.
۱۸. شریف احمد، ابراهیم، مکة والمدینة فی الجاهلیة و عهد الرسول، بی جا، دار الفکر العربی، بی تا.
۱۹. صدر، سید محمدباقر، سنت های تاریخ در قرآن، ترجمه سید جلال الدین موسوی، بی جا، بی تا، بی تا.
۲۰. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۷ ق.
۲۱. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، جامع البیان عن تاویل ای القرآن، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۱۲ ق.
۲۲. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، تاریخ الامم والملوک المشهور بالتاریخ طبری، محمد ابو الفضل ابراهیم، بیروت، دار التراث، ۱۳۸۷ ق.
۲۳. عارف کشفی، جعفر، رسول خدا و یهود، قم، چهل چراغ، ۱۳۸۹.
۲۴. العاملی، جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، قم، دار الحدیث، ۱۴۲۶ ق.

۲۵. فراهیدی، خلیل بن أحمد، *العین*، قم، نشر هجرت، ۱۴۰۹ ق.
۲۶. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیرالقمی*، قم، دار الکتب، چ ۳، ۱۴۰۴ ق.
۲۷. مجلسی، محمدباقر، *بحارالانوار*، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
۲۸. محمدقاسمی، حمید، *تمثیلات قرآنی*، قم، اسوه، ۱۳۸۲.
۲۹. مسعودی، ابو الحسن، *التنبیه والاشراف*، بیروت، مکتبه الهلال، ۱۹۸۱ م.
۳۰. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.
۳۱. ملکوتیان، مصطفی، *سیری در نظریه‌های انقلاب*، تهران، قومس، ۱۳۸۰.
۳۲. واقدی، محمد بن عمر، *المغازی*، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۹ ق.
۳۳. ولفنسون، اسرائیل، *تاریخ اليهود فی بلاد العرب فی الجاهلیه و صدرالاسلام*، مصر، مطبعه الاعتماد، ۱۳۴۵ ق / ۱۹۲۷ م.
۳۴. یاقوت حموی، یاقوت بن عبد الله، *معجم‌الادباء او ارشادالاریب الی معرفة الادیب*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ ق / ۱۹۹ م.
۳۵. یاقوت حموی، یاقوت بن عبد الله، *معجم‌البلدان*، بیروت، دار صادر، چ دوم، ۱۹۹۵ م.
۳۶. یعقوبی احمد بن ابی یعقوب، *تاریخ‌الیعقوبی*، بیروت، دار صادر، بی تا.
۳۷. الصالحی الشامی، محمد بن یوسف، *سبل‌الهدی والرشاد*، تحقیق مصطفی عبدالواحد، قاهره، وزارة الاوقاف الجئة احیاء التراث الاسلامی، ۱۴۱۸ ق.
۳۸. طبرسی، فضل بن حسن، *اعلام‌الوری باعلام‌الهدی*، قم، مؤسسه آل‌البت ع، ۱۴۱۷ ق.
۳۹. طبرسی، فضل بن حسن، *جوامع‌الجامع*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷.
40. *Encyclopaedia of Islam*, s.v. "Khaybar" (by veccia vaglieri), P. 58, 397 - 403, Leiden: Brill, 1986.
41. Rodinson, Maxime, *Mohammed, tr.Anner*, New york: vintage. 61 Books, 1974.
42. Watt, William, *Montgomery, Muhammad, prophet, and statesman*, London, oxford university, 1964.



نقشه جایگاه استقرار بنی‌نضیر در مدینه



بازمانده قلعه‌های بنی‌نضیر در شهر مدینه